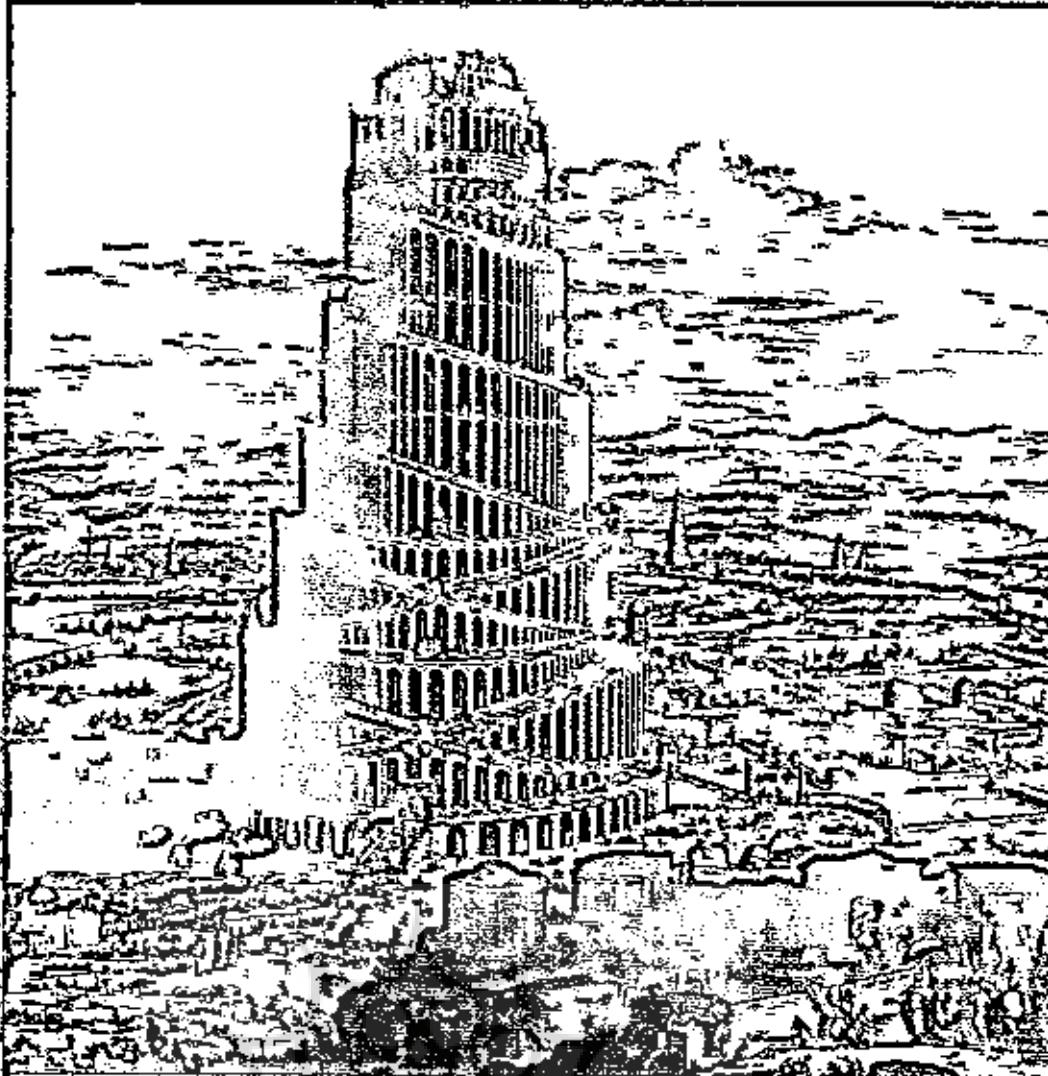


حکایت معروف مولانادردباره آن عرب و ترک و  
فارس و روسی که هر آنفرشان لذتگویی خواستند  
اما چون فر شر ناپلهما غافل «بودند، هشت برهم  
میز عنده از لبلان ایر پندتاز چهل وز داشت تهی  
اسلحه سری عزیزی مزبان اگر بدی انجا  
بدلای صلحشان و پرسی لدیدهستان معاشر  
هم بودند که در هلهله بلبلان» معنایی استماری  
پاچندند و شرایط دنیای امروز را که آدمهای زبان  
هم بدیگر و ای فهمند لما حسین «هدیگر را  
درینی پاند بدل از همان اخترق اولیه گرفتند  
که در نهن و زلن انسی خ دلو اینجه نداد که  
مردمان «گوش شنیدن» متعن دیگری را هستند

· 11 ·

لما فاصله از اینکه کتاب مقدس چه نظری درباره دلایل پر اکنونگی آقونم طرده و بول دروات و دیگران چه می گویند، ما نیز دانشمن که از دور ترین دوره های تاریخی بیشتر شدید مردم این جهان خودشان را متعلق به قره هنگ مشخص و مین می داشته اند من علیم که همان ابتداوار از معلم تبدیل های اولیه، یک هدومندانه و پریز خودش را داشته اند لباس مخصوص خودش را می پوشیده اند و مثلاً اینکه شخصی را یه‌جا من اورده و باز های منحصر به فردی داشته مجموعه این آثار و این ها و بارها به همراه زبان و پوشت و مصلز و دیگر نشانه های اشکال و پنهان یک قوم را اطراف هنگه ایان قوم می نمایند قره هنگ که هم با همی ایان پریزیان یک «تمدن» را امیر سر بریزی کرده بود و هم شرعاً آن تسلیم فرض می شد و بنابرین تصریف «تمدبویان» می شده این شکله همارا چگاهایه خاطر می آورد نشانه هایی که به شکل و اسخی با همراهی پریزیان تغیلت داشته است با چیزی بودن «تفاقوت داشتن» یا «ابراقی»، بودن «هم تفاوت داشت و با یونانی بودن» یعنی اگر فرض کنیم که در متصرفی سلطنت بر فریاد کرده زمین سقرار گرفته ایم او از یاده ایه نظاره طرح تمدن هایان سنت شسته ایم تعلیم هایی که کلام محصور و محدوده را می بینیم که دیواره ای های خیم آنها را از جم جنا کرده استه دیواره ای های که گاه می دیوار چین موجودیت هیچ می داشند و گاه حائل هایی هستند غیر چیز زبان، قره هنگ ایین و در یک کلام به جهان بینی یک قوم اختلاف بین این این چیز جهان بینی های دنیا سنتی موجب می شده که وقتی یک قوم از توجه نلای قوم دیگر لرزندگی با خبر می شده آنها را وحشی پیشاند و

شاید بیشود لین طور گفت که دلستن اسطوره‌ای  
برچ باشد و عاقبت مازاندگاش، بهین از آنکه در  
روایت‌های مورخین تاریخ و فرقی پیدا کرده باشد،  
هر نظر حکما و ادبیان تأمل بر اینگزیز جلوه کرده است  
لین حکایت‌های در اصل دومن روابط مذهبی  
- اسطوره‌ای از دلایل سرگردانی و رنج بدن  
پیشتر در نهایت اولی همان ماهیت را می‌شنوند  
از پیشست و هم‌خط آن است که لوار پیشان و  
نهاده در زمین سرگردان می‌کند و مکان زندگی  
آنسان و بدن و نجف و نیزی همیشه از فرزندانش  
سلسله می‌کند و همهی همین پرآنکدگی پس از  
ماجرایی بوج بابل است که بد و اسلحه فهمیدن  
سخن یکدیگر اتفاق نمی‌افتد و آدمها از رسیدن  
به آسمان (تخت) پروری ندارد و درباره به صلن  
نتنهایی و اوازگی اولیه باز می‌گردند، و ساری  
از حکای مادر گذشت، با تقلیل این حکایت به  
شرح زندگی‌های پرآنکدگی و نامعزمی‌لایه بشر  
پرداختند اصطلاح جمله بلبلی که افرادین  
و اتفاق اتفاق شده به زبان نفهمی و نیکار گردند  
بر مفهومی برخی اصول و کلمات طبی ماجرای  
ساخته شدن همین بوج افسوسی اشاره داره  
و بروز اولین دشمنی هادر میان اقویم اولیه را به  
نفهمی زبان یکدیگر منسوب می‌کند این مفهوم  
در طول تاریخ، کل ردهای متعددی بازته و بعضی  
از عرق و اهل ادب مبارج عجیب است، و روایت‌های  
قابل تأمل از ناصحیتی مردمان نقل کرده‌اند مثل



# فیدیک ماما دور

» حسین مغزی نیا  
در کتاب مقدمن (عهد عتیق) در سفر پیدایش  
استثنی تقلیل شده با عنوان «بری پال» که تصمیم  
نوادگیری آنسیان برای برپا کردن برجی عظیم  
با اینچه شدن فرزندان آن حضور در زمین  
بیعت دنیا که همه به پک زبان حرف می‌زنند  
آنقدر قدر زیاد شدند و به طرف شرق کوچ گردند  
اگه داشت وسیع و پهلوار در سورزمیان پال  
سیلخون و در آنجا سکنی گزینند هردمی که  
بر اینجا می‌زند پایا هم مشورت گردند گفته  
پایاند شهری بزرگ بنای کنیم و برجی بلند در  
بن پسرانم که سرمه به اصلن بوسد تانی  
را کی خود پهنا کنیم همان یعنی شفرو و برج مانع  
را گذگد ما خواهد شد پرای بنای شهر و برج  
آن خشتنهای پخته تهیه شودند از این خشتنهای  
چای منگ و از قریب چای گچ استفاده گردند  
ما هنگامی که خداوند شهر و برجی که در حال  
نشادن بود نظر اندیخت گسترد و بنام همه مردم  
یکی است و متحده شد این کلارشون کرده مانند  
گرگ اکون از کل آفتاب چالو گیری نکنیم هر آینده  
هر کاری چو امتدن قلچم خواهد داد زیان  
نهاران تغیر خواهیم داشت اما نیز زیان  
نهاده لین اخنثاند زیان موجب شد که آنها  
نهاده لین شهر دست بوراندا و به این ترتیب خداوند  
پیش از ای زمین بر اینده ساخته ترین سبب  
آنچه ای ای زمین بر اینده ساخته ترین سبب

تکنوژی و دستاوردهای علمی اش و فرآوردهای دورانی که افتش را «عصر میرن» گذشتند بایز آن جهت که به پخت همار بوطه می شود تاریخ پیرواهه موری قلی و مختار خود تقسیم می کند مردمی از همان بخش ایده «جهان مسیح» را افراد خود داشتند. شکل گیری و گسترش فرهنگ مدنی، این سالاریک فرهنگی غربی و استند کرد و چنانچه این منحدری را از پیش از قوام آن منطقه حاکم کرد و می بند در جغرافیا عالم گیر شد و بس از مدنی، جهان مدنی را هم مقابل جهان مستنی قرار داد. تا پیش از این تاریخ بشر به پادشاهی ایشان نموده بودند که پیش از فرهنگی ایشان موجود در جهان قصد غله بر دیگر فرهنگها داشته باشد و از همه مال پیغامبر اکرم که بلوهای کهنه شان را کنار گذاشند و از یک آیین جهانی پیروی کنند حتی در موادری که پک تمنن به تمنن دیگر حمله ای می شده و سرزمین های آن قوم را تصرف می کردند و مردم اش را به درگی و ایامی داشته اند زمانی در یونان تغییر فرهنگ و زبان و اثبات آن ملت بر پرسی آمدند و چه پس از موادری هم مثل مذوق خود خواستند تغییر فرهنگ سوزنی که تسبیح کرده بودند فراری می گرفت و تغییر مسلک می دادند تا خود را نهادند فرهنگ پر خاست از تجربه موران مدنی کلام متفاوت است: این فرهنگ با تکیه بر جنبه دلایل اش و نویه نوشدن های دلتنی اش، مردمان نقاط مختلف دنیا امتنون خود ساخته اند و پس از مردمان اول از این راه توکل آئین های سنتی و پذیرش قواعد زندگی مدنی کردند و پس از داشته بودن این جمله خودم) دعای اسلام است که در دروده های این و اهل آن و عدم این و هم آن سرگردان می شوند و متفکر می شونند و تغیر پیدا کرداران پس از پیغمبر ایشان از تاریخ پیش از میان ماهیت این واقعه و این سرگردانی این مسلمان در تاریخ پیش از میان مذکورین پیش از هم این غلبه فرهنگی را به مقاصد سیاسی پنهان کرد حکومت های غربی نسبت دادند که عدمی گفتند که مردمی از ناتوانی اسلام طغیو و قهار و لستی از اطلب است و این به نوشه گری میانسی نثارت گشته از زمین حرکت سریع تر به سوی پذیرش قواعد مردم دنیا از این به کردندند شدن فرهنگ از زندگی مدنی و استقبال از دیگران شدند که در مقام اتفاق از زندگی این ایشان را می خواستند و مفاسدی که در مقابل این ایشان سازی بر این اندیشه و گروه دیگری هم فلک از این پایه و بنا بر این توصیف اینچه می گذرد و شرح تاریخی تقدیم چیزی دنیای سنتی، حکومت پاکستان تلقی مدنی و پیش ایشان گزین پذیری «اعکده جهان» پیدا نمود.

امانلخ از یونکه کدام پوک او بین نانی ها  
حرست لست و عاقبت چه خواهد شد و بالاخره  
**حست** باقی خواهد ماند پس همدرنیه<sup>۲۷</sup> علیه  
پیدا خواهد گردید ترددی نیست که دنیوی امروز  
مادنی یعنی جمیں است به نظر من و سه آنها که  
بکسان صلزی را راه اخراج زیان های مستی قرار  
پسر من و نشانه همکنه فرزد پر نسل های خود را به  
اجرا برآورده و دیگر مرز و مانی هیمن مردمان  
باقی نمانده است هر کس در هر نقطه ای از جهان  
می تواند در هر لحظه ای که تابیل هاش باشد با  
هر کس که بخواهد طریق ای را برقرار کند گیری  
دیگر مرزی برای محدود نمایندگاری کردند شناخت آدمها  
از نانی های هندیگر وجود ندارد و اسلام اتفاقات  
چندلیک هر نانی کسب انجیل و اخلاق ای و معارف و  
شدن منابع ای و نهاده بیانشان و یکسان شدن  
یکسان شدن لحن و نومه بیانشان و یکسان شدن  
از زن های اختلاف عمدی های ترکیز ای عصوبی  
باقی نکننکه است به نظر من و سه خانی  
مریع من می شود مردم جهان را نیست به موضوعی  
را فکر کرد و یا تقریبان را همیزه همان موضوع  
بر یاری گیرد و سه ها که مؤثر ترین دستاوردهای  
نشدن می درن در چهت گسترش همین

پیشگیری از فرهنگی بودند که ترک افکار عوسمی را بر عهده طرفند و در عمل همه چهاران را به میکنند. توزع امور در مسؤولیت میگذارند و نظر میگردند که امنیت، یک فرهنگ و یک جهانیست بر همه دنیا سلطه است امروز حین لازم نیست برای فرهنگی خود اهلی کشورهای دیگر خودتان را به حفظ بین‌المللی داشتند. امنیت که از دهلن خارج میگردید و حشمت زده شدیده کافی نیست زبان انتقام‌گویی را بازگرداند تا در اغلب نقاط دنیا آسوده خاطر باشید و لحسان گردیده باشی مثل خودتان همچنین همچنین نظر میگردید. اگر امروز موفق شویم آن موقیت فرضی را در پیش از هست اولیم و در منظری سلطنه برویز که زمین قرار گیریم و لزانجا طرح تصنیف دنیا می‌خون را انشا کنیم و دیگر دیواری تغواصید و دیده و فازه ممکن نیست صرمان به ملحوظه‌های متعددی بخورد که آن بالا منتظر را باختهد و مشغول از لسان بی خوبی مراجعت به نقاط مختلف این گره خلاصی اند و امریکا به عنوان مظہر ایچه در قدرین جدید رخ داده بخطه نبر کر این دگرگونی هاست کشوری که تاریخ ندارد، سلسله و قویت ندارد و قدرین کهنه ندارد که به آن چنان کشوری که هر آنی از هر نقطه جهان می‌تواند اعماق در شکل گیری و توسعه نشان داشته و بخشی از فرهنگ و منش خود را تمیز ایچه فرهنگ امریکایی نماید می‌شود داخل کرده سرزمینی که به دکشور مهاجرین<sup>۱</sup> مشهور است و در طول قرون اخیر پذیرای هزاره صد شود در ملکت این عالم، چه و مهارت ایوریست شود در این عالم، چه روی داده که چنین تمدنی می‌تواند شکل بگیرد؟ چگونه می‌شود مردمی که اجدادشان این همه بر سر هیبت قوی و اختصارهای نزدیکی همان مجده همه این آدمیت خدا و جنگهای چند ده ساله

**امريکا به عنوان مظہر ایچه در قدرین جدید رخ داده، نقطه تمیز دگرگونی هاست کشوری که تاریخ، سایه، قویت و تمدن کهنه ندارد که به آن پرالد**

بر اس کردن و اقام غریبه را داخل آتم حساب نمی‌کرند، اسرور از همه این تقییدی ها و خرقوشی های کشوری سفر می‌گذارد که این انتشار توریون ملک دنیاست و با چوپر بختن چندین دفعه همی باز شدن در وقت ای امریکایی برای خوب زندگی کردن فکر می‌گذارد که خیر شده؟ ای اسطوره دوباره به حرکت درآمده؟ ای اسپریت و نوادگان مسازان شریز شده آن برج مخفی و بین دفعه دور از چشم آن خدای خشکنی ای سرو و صادر چشان را باختهد و تمام شد و رفت بی کارش<sup>۲</sup> و آن هتلنلاخه<sup>۳</sup> نازل شده از اسمن را به یکرگی تراویه تبدیل کرده اند که پایه ای این بابل چندید و راشکلیل نده است؟ با اینکه این دفعه خانواده هنگ ایزابی تدلک بدهد و پیش و پیش کرده که حولپشت به این فلاش مذیقه برای گرفتن مجده برج نویسته در حالی که مجازات عدیق تر وی چند هنری را برای پسر خیر صور تدلک دیده است اشایدان مجازات این بوده که اسرور بهمیم بعد از چند قرن تلاش و این همه خلاصت و نیوخ خلاصی که اینکه صرف برای ای مجدد آن برج کوچک دند از همیشه تهاتریم و تسلیک طالبازین<sup>۴</sup> موسelman در لس آنجلس، همان را پیدا می‌گند و احاسن دور افتادگی مان را شدیدتر شاید آن مجازات همین باشد که به رغم قبضیدن حرف

در این حوزه خودیه خودش را و خیم شد  
لین تقابل و تبدیل شدنش به پکی لوهه هنرین  
بسنایل صحر مانیز هست. تاریخ ثبت کرد که  
حلی شدن هر زمان هر زمان بیهوده  
موضوعاته نوعی پیشگویی و اعلام خطر در خوده  
دارد و طولی تمن کشد که آن موضوع به بحث  
سلط دوران تبدیل می شود و به گفتار دیگران  
هم و امین بله و در زندگی های پیشگویی  
دهد قبل آغاز شده بود و نمونه ای قابل ذکری  
در قلمب نمایش ننمایم، رمان فسه کوشاد و حتی  
شر و خوده ملد در میان رمان های مشهور قرن  
گذشتند نمونه ای مثل گذری به هند (ای) ام  
قومرت را اخیرم که نکاه عجیق و کهشانه ای  
به تقابل مین قره هنگ غرب (الگلپ) و شرق  
(هند) دارد فورسترا پایان کردن چهار چوب  
متغیری برای روایت قصه و پاش خصوص بودند از  
دقیق هندی های بومی و ایلکسی های مقیم  
هندوستان تصور بی سلسلی از چگونگی تلاشی  
از قره هنگ کلام مغلوبه وی شمر مدنی تلاش  
برای دستیابی به تفاصیلین این دو قره هنگ را که  
می دهد بخشی از این نگاه به قطبان می نمایی  
دویدن از رمان فورست هم منطبق شده است  
هاصر مهلان اثار این مصالحه ای خبر، پکی از  
جناب خرس نمونه ای شوشمی نویسنده  
هندی اصل مقیم آمریکا است جو های اهلی  
که علاوه بر قصه کوته ای های پراکنده ای که در  
مجلات این منتشر کرد، پک مجموعه قمه به  
نام «مترجم در دنیا» و یک رمان با عنوان «همنام»  
دارد اثر اورم کشروع مانند تشرشده و کم و بیش  
مورد استقبال قرار گرفته است تقریباً تا این  
منتشر شده خانو لاہیری تا به مرور درباره پک  
موضوع واحد تر تجربیات روزمزوندگی پک  
شرقی (هندی) پس از سفریه ای ریکا و قاست  
در آن کشور، لو که دوق کم نظری در تعریز  
جزئیات و ریشه کاری های این تقابل فرهنگی دارد  
برغم درواست مکر این موقعیت در قصه های  
جهنمی گفت شده ای از موقعیت این آدمهارا  
توصیفی کند  
در سه ماه ای اثار مهم و فرق اسلامی با  
محبوب این مضمون ساخته شده که پکی  
از پیشین هایش، قیام در خشان «گمشده» مر  
ترجمه ساخته سویا کارپول است این قیام که باز  
هم بر موضوع تقابل فرهنگی شرق و غرب در هندی  
مدون تر کرد تصور بسیار چنانی است  
غیرت و تنهایی، پر خوده ای تصلیف در هندی  
اسود و بله زنگویی از زیج مندازه نامزدی و  
توسل به ایما و ایله برای انتقال مفهود و همکاری  
آدمیان از آفرهنگ جدا کنکه در مضافی جهانی  
سی مازده را چند میان اخیر تنومندی دیگری از  
ظیله هایی یا همین موضوع ساخته شده که قیام  
پرند اسکار سال قفل، یعنی تصلیف (زل هنگی)  
تیزیکی از نومنهای ایل کنکه ای از عاقبت  
که بر چند گذشک فرهنگی و تقابل قدر در فرهنگ  
آمریکایی است زیر بود و تصور تأثیر گذاری از عاقبت  
لین تقابل قرائمه می دهد و همچنین قیام با ایل اخیر  
ساخته فیلمس ایل مکر که العاده و گوزالی  
ایشان را که تکله جدیدی به این تقابل در مطلع گردید  
زمین طرد و دلستش را ران آقاره مختلف روایت  
می گذو و غیر متناسب ترین رویدرویی های فرهنگی  
و انتیزی می دهد  
نونهای ایل زنگه ای در فرسنی گستردتری  
آن دسته از اثار هنری و زرگار خودمان بیرون طیز  
که شرح مردانگی و سرگردانی فرزندان ناخلف  
جزء ایشان گزج بدل و روایتی می کند اتفاقاً این  
اثر اندوه بلند و مروزن شت تازی ایل هنر ملکشان را  
حکایت می کنند اما رعنین حال عموماً اثاری  
بی نظری و بخدمتمندی که حیف است به طور  
خواص و جداگانه مورود توجه قرار گیرند اگرچه  
فراموش شد یا بدین پکی به سمع این مرثی های  
روایتی و معرفه ایل ای اثار ایل را داریم